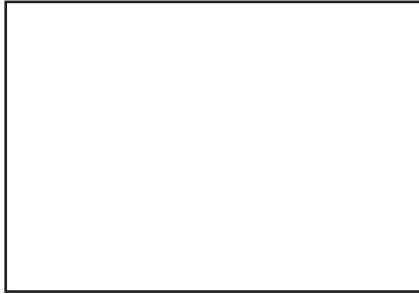




چھٹا

امیر حسین بانکی پور فرد





مجموعه گُل

چهل حدیث حیا

تهیه و تدوین: اداره امور فرهنگی آستان قدس رضوی

نویسنده: امیرحسین بانکی پور فرد

مدیر هنری و طراح گرافیک: رضا باباجانی

صفحه آرایی: محمود بازدار

تذهیب جلد: سیده فهیمه کاظمی

ناشر: انتشارات قدس رضوی

نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۱

شمارگان: ۳۰۰۰

چاپ: مؤسسه فرهنگی قدس

شابک:

نشانی تهیه کننده: مشهد، حرم مطهر، صحن جامع رضوی

ضلع غربی، اداره امور فرهنگی

تلفن: ۰۵۱۱-۲۰۰۲۵۶۷

صندوق پستی: ۳۵۱-۹۱۷۳۵

حق چاپ محفوظ است.

حیا

۱	تعریف حیا
۲	مراتب حیا
۳	نشانه‌ی عقل
۴	لباس اسلام
۵	نشانه‌ی خوبان
۶	معیار سنجش اعمال
۷	ملاک انتخاب کارگزاران
۸	حیای نفس
۹	عامل عفت
۱۰	پنهان‌کننده‌ی عیب
۱۱	کانون زیبایی و خیر
۱۲	برتر از هفتاد سال عبادت
۱۳	موضع حیا
۱۴	حیا حتی در استراحت
۱۵	سوال و جواب
۱۶	بخشش اندک
۱۷	کار خیر
۱۸	حیای بی‌جا
۱۹	حیای منفی
۲۰	دعا

مجموعه گل

همراهی حیا و ایمان	۲۱
عواقب ترک حیا	۲۲
پُر حرفی	۲۳
حرمت شکنی	۲۴
شراب‌خواری	۲۵
موسیقی	۲۶
عواقب ترک حیا	۲۷
بی‌خیر	۲۸
جلوه‌ی حیا	۲۹
آثار حیا	۳۰
حیا از پیامبر ﷺ	۳۱
حیا از فرشتگان	۳۲
حیای زنان	۳۳
پوشانده‌ی بدی‌ها	۳۴
دوستدار اهل حیا	۳۵
حیای الهی	۳۶
نتیجه‌ی خوش اخلاقی	۳۷
حیا از پیری	۳۸
حیای همسر	۳۹
حیا نزد همسر	۴۰

پیشگفتار

قدر "مجموعه‌ی گل" مرغ سحر داند و بس...

کلام خاندان عصمت و طهارت علیهم‌السلام چونان آفتابی است که زیستن بشر در ظل انوار آن، رنگی آسمانی می‌گیرد و طعمی الهی می‌یابد. پیامبر اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و ائمه‌ی اطهار علیهم‌السلام، روشنگران طریق سعادتند و با هدایت‌های آن بزرگواران، گام‌های موفقیت و سعادت را در زمینه‌های مختلف زندگی می‌توان برداشت.

"مجموعه‌ی گل" عنوان کلی کتب احادیث موضوعی است که به همت محققان و نویسندگان دینی گرد آمده است و در هر کدام از آن به موضوعی خاص پرداخته شده که زوایای مختلف آن از منظر دین مورد مذاقه قرار گرفته است.

در این مجموعه سعی شده است کاربردی‌ترین موضوعات و مباحثی که نیاز بیشتر جامعه است ارائه شود. همچنین تلاش شده تا احادیثی مطرح شود که از حیث سند متقن باشد.

امید است مجموعه‌ی حاضر، بهانه‌ای شود تا فعالیت‌های گسترده‌ای در نشر آموزه‌های خاندان نور علیهم‌السلام انجام گیرد و جامعه اسلامی سرشار از معارف بلند اهل بیت علیهم‌السلام گردد.

آستان قدس رضوی
معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی
اداره‌ی امور فرهنگی

مقدمه

آیا تا به حال دقت کرده‌اید که علاوه بر تمامی خصوصیات اخلاقی انسان‌ها، در برخی از آنان صفتی نمایان است که باعث متمایز شدن آن‌ها می‌شود؟ چهره‌شان را جذاب‌تر و رفتارشان را دل‌نشین‌تر می‌کند؛ نوع نگاهشان متمایز از سایرین، گویش و کلامشان دیگرگونه است، در برابر محرک‌های محیطی هر واکنشی را از خود منعکس نمی‌سازند و بسیاری از رفتارهایی را که برای اکثریت مردم، امری عادی تلقی می‌گردد، به دلایلی انجام نمی‌دهند. افزون بر آن احساس می‌شود با این‌گونه افراد نمی‌توان هرگونه رفتاری را داشت، گویی هاله‌ای اطراف آنان را فرا گرفته است که ایشان را از برخوردهای ناهنجار و ناشایسته‌ی افراد کم‌توجه مصون نگاه می‌دارد.

در حضور چنین افرادی می‌کوشیم تا حد امکان همانند خودشان رفتار نماییم و کاملاً مراقب اعمال خویش باشیم؛ مراقبتی که آرامش ما را نیز در پی خواهد داشت و از بودن در این موقعیت و فضا

لذت خواهیم برد. چه بسا برخورد با این گونه افراد ما را به یاد اصلی عمیق در فطرتمان می‌اندازد؛ همان چیزی که ذهن پُر خروش و متلاطم انسان در برخوردهای اجتماعی در پی آن است.

در مسیر بررسی این خوی زیبا و پسندیده که آن را "حیا" می‌نامیم، ابتدا باید تعریف متقن و جامعی از این واژه ارائه کرده و جایگاه و آثار آن را تبیین کنیم، سپس با بیان جلوه‌های آن در اعضا و جوارح و جوانح خود، به عوامل و موانع ظهور آن بپردازیم و مواردی را که مبنی بر عدم رعایت حیا می‌باشد، از بین روایات استخراج نماییم.

این ملکه‌ی اخلاقی، نظم زیبایی به رفتارهای انسان می‌دهد و هنگامی که شدت می‌یابد افرادی را هم که در اطراف انسان هستند، آن‌چنان تحت مغناطیس خود قرار می‌دهد که رفتار آن‌ها نیز متفاوت می‌شود. در روایات، حیا ملازم عقل و ایمان، لباس اسلام، سیمای خوبان، نشاط عالم حقیقی، معیار سنجش اعمال و ملاک انتخاب کارگزاران دانسته شده است. جلوه‌ی اصلی حیا در نگاه نمایان است، اما در گفتار، پندار، کردار و

پوشش افراد نیز متجلی است.

در عین حال، جلوه‌های منفی که برخاسته از حماقت و جهل می‌باشد نیز برای حیا گفته شده است که باعث محرومیت انسان است و باید از آن دوری کرد؛ مواردی از قبیل حیا در کسب علم، اقرار به جهل، مشورت، مخالفت با رسوم غلط، صدقه‌ی کم، کار خیر، اشتغال، هم‌نشینی با فقرا، ساده‌زیستی، خدمت به مهمان، احترام به پدر و مادر، دفاع از حق و درخواست از خدا و اولیایش جزو حیا‌های منفی حساب می‌شوند.

برای آن‌که این خصلت در وجود انسان تقویت شود باید ایمان، محبت و معرفت، خشنودی و هدف الهی در انسان تقویت شود. تظاهر به حیا در اعضا (در مرتبه‌ی نخست از چشم)، تواضع و خوش‌نامی از عوامل تقویت حیا می‌باشند.

بر عکس مواردی که حیا را کم می‌کنند عبارتند از: حاجت‌مندی از مردم، علاقه به خودنمایی و شهرت، زیاد سخن گفتن، دروغ، نفاق، مداومت بر گناه، فرومایگی، حرمت‌شکنی، شراب‌خواری، تجاوز جنسی، نطفه‌ی ناپاک و موسیقی. وقتی حیا

رفت، انسان از عبادت محروم می‌شود؛ دل‌مردگی به او دست می‌دهد، هر عمل زشتی از او بر می‌آید و از بهشت محروم خواهد شد.

در روایت داریم برای کسب حیا با اشک و زاری از خدا درخواست کنید: «فَهَبْ لِي شَوْقًا إِلَى لِقَائِكَ وَ اشفاقاً من عذابك و حياءً عنك؛ خدایا! به من شوق دیدارت و ترس از عذابت و حیای از خودت را عطا فرما».

امیر حسین بانکی پور فرد

تعریف حیا

قَالَ الصَّادِقُ (ع):

الْحَيَاءُ نُورٌ جَوْهَرُهُ صَدْرُ الْإِيمَانِ وَ تَفْسِيرُهُ
التَّشَبُّهُ عِنْدَ كُلِّ شَيْءٍ يُنْكِرُهُ التَّوْحِيدُ وَالْمَعْرِفَةُ.

حیا نوری است در باطن انسان که خلاصه آن سینه
و مرکز ایمان است و توضیح حیا آن که: آدمی در
مقابل هر چیزی که بر خلاف توحید و شناخت
خداست، پابرجا و محکم باشد.

مراتب حیا

قَالَ الصَّادِقُ عليه السلام:

وَالْحَيَاءُ خَمْسَةٌ أَنْوَاعٌ حَيَاءُ ذَنْبٍ وَحَيَاءُ تَقْصِيرٍ
وَحَيَاءُ كَرَامَةٍ وَحَيَاءُ حُبٍّ وَحَيَاءُ هَيْبَةٍ
وَ لِكُلِّ وَاحِدٍ مِنْ ذَلِكَ أَهْلٌ وَ لِأَهْلِهِ مَرْتَبَةٌ
عَلَى حِدَةٍ.

حیا پنج گونه است: حیا از گناه، حیا از کوتاهی، حیا از روی کرامت و بزرگواری، حیا محبت و دوستی و حیا هیبت و عظمت؛ که هر یک اهلی دارد و هر گروه، درجه‌ی جداگانه‌ای دارند.

۳ نشانه‌ی عقل

— قَالَ عَلِيٌّ ع:

— أَعْقَلُ النَّاسِ أَحْيَاهُمْ.

— خردمندترین مردم باحیاتی‌ترین آنهاست.

۴

لباس اسلام

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ:

الْإِسْلَامُ عُرْيَانٌ فَلْبَاسُهُ الْحَيَاءُ.

اسلام برهنه است، پس حیا لباس آن است.

نشانه‌ی خوبان ۵

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

يَا أَحْمَدُ! إِنَّ أَهْلَ الْخَيْرِ وَأَهْلَ الْآخِرَةِ رَقِيقَةٌ
وُجُوهُهُمْ، كَثِيرٌ حَيَاءُهُمْ، قَلِيلٌ حُمَّتُهُمْ.

ای احمد! همانا خوبان و اهل آخرت گشاده‌رو،
حیایشان بسیار و حماقتشان کم است.

۶

معیار سنجش اعمال

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ:

زُنُوزُوا أَعْمَالَكُمْ بِمِيزَانِ الْحَيَاءِ قَبْلَ أَنْ تُوزَنُوا.

با معیار حیا، اعمالتان را بسنجید؛ قبل از آن که
سنجیده شوید.

۷ ملاک انتخاب کارگزاران

— قَالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

— وَ تَوَخَّ مِنْهُمْ أَهْلَ التَّجَرِبَةِ وَ الْحَيَاءِ.

— و از میان مردم کسانی را برای کارگزاری
انتخاب کن که تجربه و حیا دارند.



حیای نفس

— قَالَ عَلِيٌّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ:

— أَحْسَنُ الْحَيَاءِ إِسْتِحْيَاؤُكَ مِنْ نَفْسِكَ.

— بهترین نوع حیا، حیا کردن از خود است.

۹ عامل عفت

قَالَ عَلِيُّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ:

سَبَبُ الْعِفَّةِ الْحَيَاءُ.

پیش درآمد عفت و پاکدامنی، داشتن حیاست.

۱۰

پنهان کننده‌ی عیب

— قَالَ عَلِيُّ ؑ:

— مَنْ كَسَاهُ الْحَيَاءُ ثَوْبَهُ خَفِيَ عَلَى النَّاسِ عَيْبُهُ.

— کسی که لباس حیا پوشید؛ عیبش از مردم پنهان گردید.

۱۱ کانون زیبایی و خیر

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ:

الْحَيَاءُ خَيْرٌ كُلُّهُ يَعْنِي أَنَّ الْحَيَاءَ يَكْفُ ذَا
الدِّينِ وَ مَنْ لَا دِينَ لَهُ عَنِ التَّبِيحِ فَهُوَ جَمَاعٌ
كُلٌّ جَمِيلٌ.

تمامی حیا خیر است بدین معنا که حیا، انسان
دیندار و بی‌دین را از زشتی‌ها باز می‌دارد و
کانون تمامی زیبایی‌هاست.

برتر از هفتاد سال عبادت

قَالَ الصَّادِقُ عليه السلام:

وَمَنْ حُرِمَ الْحَيَاءَ فَهُوَ شَرُّ كُلِّهِ وَإِنْ تَعَبَدَ
وَتَوَرَّعَ، وَإِنْ خُطِئَ يَتَخَطَّى فِي سَاحَاتِ
هَيْبَةِ اللَّهِ تَعَالَى بِالْحَيَاءِ مِنْهُ إِلَيْهِ خَيْرٌ مِنْ
عِبَادَةِ سَبْعِينَ سَنَةً.

هر کس از حیا محروم باشد، سراسر پلیدی
است، هرچند عابد و پارسا باشد و برداشتن
یک گام در محضر خداوند همراه با حیای از
او، برتر از هفتاد سال عبادت است.

خداوند، حیا را در چشمان قرار داده است.

حیا حتی در استراحت

قَالَ الصَّادِقُ عليه السلام:

قَالَ عَيْسَى بْنُ مَرْيَمَ: إِذَا قَعَدَ أَحَدُكُمْ فِي مَنْزِلِهِ فَلْيُرِّخْ عَلَيْهِ سِتْرَهُ فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى قَسَمَ الْحَيَاءَ كَمَا قَسَمَ الرِّزْقَ.

حضرت عیسی عليه السلام فرمود: هر یک از شما که در منزل خویش استراحت می‌کند، پوششی را بر روی خود بیفکند؛ چرا که خداوند تعالی بسان تقسیم روزی، حیا را نیز تقسیم می‌کند.

۱۵ سوال و جواب

— قَالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

— لَا يَسْتَحْيِي أَنْ يَتَعَلَّمَ مَا لَمْ يَعْلَمْ وَلَا يَسْتَحْيِي
إِذَا سُئِلَ عَمَّا لَمْ يَعْلَمْ أَنْ يَقُولَ لَا أَعْلَمُ.

— [شایسته است انسان] در یادگیری آنچه نمی‌داند،
بر خود شرم روا ندارد و چون از چیزی که
نمی‌داند، از او پرسند، از گفتن "نمی‌دانم" حیا به
خود راه ندهد.

۱۶

بخشش اندک

— قَالَ عَلِيُّ ؓ:

— لَا تَسْتَحِ مِنْ إِعْطَاءِ الْقَلِيلِ فَإِنَّ الْحِرْمَانَ أَقَلُّ مِنْهُ.

— از بخشش کم شرم نکن، چرا که محروم کردن سائل کمتر از آن خواهد بود.

۱۷ کار خیر

— قَالَ عَلِيٌّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ:

— الْمُؤْمِنُ... لَا يَعْمَلُ شَيْئاً مِنَ الْخَيْرِ رِثَاءً وَ لَا
يَتْرُكُهُ حَيَاءً... .

— مؤمن عمل خیر را از روی ریا انجام نمی دهد و
به خاطر حیا آن را ترک نمی کند.

حیای بی جا

— قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ:

— مَا مِنْ عَبْدٍ إِسْتَحْيَا مِنَ الْحَلَالِ إِلَّا ابْتَلَاهُ اللَّهُ بِالْحَرَامِ.

— هر بنده‌ای که از حلال شرم کند؛ خدا او را گرفتار حرام سازد.

قَالَ عَلِيُّ ؓ:

ثَلَاثٌ لَا يُسْتَحْيَا مِنْهُنَّ: خِدْمَةُ الرَّجُلِ ضَيْفَهُ
وَ قِيَامُهُ عَنِ مَجْلِسِهِ لِأَبِيهِ وَ مُعَلِّمِهِ وَ طَلَبُ
الْحَقِّ وَ إِنْ قَلَّ.

در سه چیز نباید حیا کرد: خدمت کردن به
میهمان، بلند شدن به احترام پدر و معلم و
گرفتن حق اگرچه اندک باشد.

— قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ:

— لَا يَسْتَحْيِي أَحَدُكُمْ أَنْ يَسْأَلَ اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ
وَ لَوْ بِشِئَعِ نَعْلِ.

— هیچ یک از شما شرم نکند که از فضل خدا چیزی را طلب کند؛ حتی اگر آن، بند کفشی باشد.

همراهی حیا و ایمان

— قَالَ الصَّادِقُ (ع):

— الْحَيَاءُ وَالْإِيمَانُ مَقْرُونَانِ فِي قَرْنٍ فَإِذَا
ذَهَبَ أَحَدُهُمَا تَبِعَهُ صَاحِبُهُ.

— حیا و ایمان ملازم یکدیگرند. پس هرگاه یکی
از آن‌ها برود، دیگری هم به دنبال آن خواهد
رفت.



عواقب ترک حیا

— قَالَ الصَّادِقُ عليه السلام:

— طَلَبُ الْحَوَائِجِ إِلَى النَّاسِ اسْتِلَابٌ لِلْعِزِّ وَ
مَذْهَبَةٌ لِلْحَيَاءِ.

— طلب نیاز از مردم، عزت‌رُبا (ذلت‌آور) است و
حیا را از بین می‌برد.

قَالَ عَلِيُّ ؓ:

مَنْ كَثُرَ كَلَامُهُ، كَثُرَ خَطَاؤُهُ وَ مَنْ كَثُرَ خَطَاؤُهُ،
قَلَّ حَيَاؤُهُ وَ مَنْ قَلَّ حَيَاؤُهُ، قَلَّ وَرَعُهُ وَ مَنْ قَلَّ
وَرَعُهُ، مَاتَ قَلْبُهُ وَ مَنْ مَاتَ قَلْبُهُ، دَخَلَ النَّارَ.

هر کس که سخنش زیاد شود، اشتباهات او نیز زیاد
می شود و هر کس خطایش زیاد شود، حیایش کم
می گردد و هر کس حیایش کم شد، تقوایش کم
می شود و کسی که تقوایش کم شود، دلش می میرد
و هر کس دلش مُرد، وارد دوزخ می شود.

حرمت شکنی

قَالَ الْكَاطِمُ ع:

لَا تُذْهِبِ الْحِشْمَةَ بَيْنَكَ وَبَيْنَ أَخِيكَ...
فَإِنَّ ذَهَابَهَا ذَهَابُ الْحَيَاءِ.

— حرمت میان خود و برادرت را از میان مبر!...
چرا که از میان رفتن حرمت، از میان رفتن
حیاست.

قَالَ الرَّضَا ع:

إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى حَرَّمَ الْخَمْرَ لِمَا فِيهَا مِنَ الْفَسَادِ
وَبُطْلَانِ الْعُقُولِ فِي الْحَقَائِقِ وَذَهَابِ الْحَيَاءِ
مِنَ الْوَجْهِ.

خداوند شراب را حرام کرد به خاطر این که
موجب فساد و تباهی و زایل گشتن عقلها
از حقایق و بر باد رفتن حیا از رخسار انسان
می شود.

قَالَ الصَّادِقُ عليه السلام:

مَنْ ضُرِبَ فِي بَيْتِهِ بَرَبْطٌ أَرْبَعِينَ يَوْمًا سَلَطَ
 اللَّهُ عَلَيْهِ شَيْطَانًا يُقَالُ لَهُ الْقَفَنْدَرُ لَا يَبْقَى عُضْوًا
 مِنْ أَعْضَائِهِ إِلَّا قَعَدَ عَلَيْهِ ، فَإِذَا كَانَ ذَلِكَ نَزَعَ
 مِنْهُ الْحَيَاءَ فَلَمْ يُبَالِ مَا قَالَ وَلَا مَا قِيلَ لَهُ .

کسی که در خانه‌اش چهل روز ساز و تار زده شود، خداوند بر او شیطانی به نام قفندر را چیره می‌کند که بر همه‌ی اعضای او تسلط می‌یابد؛ وقتی که چنین شد، حیا از او گرفته می‌شود و در نتیجه نسبت به آنچه می‌گوید یا برای او گفته می‌شود، باک و پروایی ندارد.

عواقب ترک حیا

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ:

أَوَّلُ مَا يَنْزِعُ اللَّهُ مِنَ الْعَبْدِ الْحَيَاءَ فَيَصِيرُ
مَاقِتًا مُمَقَّتًا ثُمَّ يَنْزِعُ مِنْهُ الْأَمَانَةَ ثُمَّ يَنْزِعُ
مِنْهُ الرَّحْمَةَ ثُمَّ يَخْلَعُ دِينَ الْإِسْلَامِ عَنْ عُنُقِهِ
فَيَصِيرُ شَيْطَانًا لَعِينًا.

اول چیزی که از بنده (به علت استحقاق نابودی و غضب الهی بر او) گرفته می‌شود، حیا است. پس در نتیجه‌ی آن، دیگران را به دشمنی می‌گیرد و نیز مورد دشمنی و مبعوض دیگران واقع می‌شود. سپس خداوند راستی و درستکاری را از او می‌برد (و بر اثر آن، خود اهل خیانت و دغل می‌شود و دیگران را هم به خیانت و ناراستی متهم می‌کند). سپس خداوند، رحمت و مهربانی را از او بیرون می‌کند (که در نتیجه درشت‌خوی و سخت‌دل می‌گردد) و آیین و جامه‌ی اسلام از وجود او کنده می‌شود و سرانجام شیطانی نفرین شده، رانده و دور شده از رحمت الهی می‌گردد.

بحارالانوار، ج ۶۸، ص ۳۳۵

بی خیر

— قَالَ عَلِيُّ ؓ:


— مَنْ لَا حَيَاءَ لَهُ فَلَا خَيْرَ فِيهِ.

— کسی که حیا ندارد، هیچ خیری در او نیست.

جلوه‌ی حیا

— قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ:

— وَ لَوْ كَانَ الْحَيَاءُ صُورَةً لَكَانَ الْحُسَيْنَ 

— اگر حیا به شکلی تصور شود، همانا حسین  است.

— قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

— عَبْدِي إِنَّكَ إِذَا اسْتَحْيَيْتَ مِنِّي أَنْسَيْتُ
النَّاسَ عُيُوبَكَ وَبِقَاعِ الْأَرْضِ ذُنُوبَكَ وَ
مَحَوْتُ مِنَ الْكِتَابِ زَلَاتِكَ وَ لَا أُنَاقِشُكَ
الْحِسَابَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ.

— «بنده‌ی من! هنگامی که تو از من حیا می‌کنی، کاری می‌کنم که مردم عیوب تو را از یاد ببرند و زمین گناهان تو را فراموش کند و از پرونده‌ی اعمال، لغزش‌هایت را محو می‌گردانم و در روز رستاخیز تو را مورد بازخواست قرار نمی‌دهم.»

— قَالَ الصَّادِقُ (ع):

— إِنَّ أَعْمَالَ الْعِبَادِ تُعْرَضُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ
كُلَّ صَبَاحٍ أَبْرَارُهَا وَفُجَّارُهَا فَاحْذَرُوا
فَلَيْسَتْحِي أَحَدُكُمْ أَنْ يَعْْرِضَ عَلَى نَبِيِّهِ
الْعَمَلَ الْقَبِيحَ.

— اعمال انسان‌های خوب و بد، هر روز صبح به
پیامبر اکرم ﷺ عرضه می‌شود؛ پس حیا کنید که
عمل زشتی از شما به پیامبرتان عرضه گردد.

حیا از فرشتگان

قَالَ الصَّادِقُ عليه السلام:

- مَنْ خَلَا بِذَنْبِ فَرَاقَبَ اللَّهُ تَعَالَى ذِكْرَهُ فِيهِ وَ اسْتَحْيَا مِنَ الْحَفَظَةِ غَفَرَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُ جَمِيعَ ذُنُوبِهِ وَإِنْ كَانَتْ مِثْلَ ذُنُوبِ الثَّقَلَيْنِ.

- هر کس در خلوت زمینه‌ی گناه برایش فراهم گردد و خداوند را مراقب خود بداند و از فرشتگان نگهبان حیا کند، خداوند همه‌ی گناهان او را می‌آمرزد؛ هرچند به اندازه‌ی گناهان جن و انس باشد.

حیای زنان ۳۳

قال علیؑ:

الْحَيَاءُ عَشْرَةُ أَجْزَاءٍ تِسْعَةٌ فِي النِّسَاءِ وَوَاحِدَةٌ فِي الرِّجَالِ.

حیا ده قسم است، نه قسم آن در زنان و یک قسم آن در مردان است.

پوشاننده‌ی بدی‌ها

— قَالَ عَلِيُّ ؓ:

— الْحَيَاءُ لِبَاسٌ سَابِغٌ وَحِجَابٌ مَانِعٌ وَسِتْرٌ مِّنَ الْمَسَاوِي.

— حیا، لباسی بلند و حجابی بازدارنده و پوششی نگاه‌دارنده از بدی‌هاست.

۳۵ دوستدار اهل حیا

— قَالَ الْبَاقِرُ عليه السلام:

— فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ كَرِيمٌ يَسْتَحْيِي وَيُحِبُّ
أَهْلَ الْحَيَاءِ.

— خداوند کریم است؛ حیا می‌کند و اهل حیا را
دوست دارد.

حیای الهی

— قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ:

— إِنَّ اللَّهَ لَيَسْتَحْيِي مِنَ الْعَبْدِ أَنْ يَرْفَعَ إِلَيْهِ
يَدَيْهِ فَيَرُدَّهُمَا خَائِبَتَيْنِ.

— خدا حیا می‌کند که بنده‌ای دستش را به سوی او بالا برد، آن‌گاه او را رد کند و امیدش را ناامید سازد.

نتیجه‌ی خوش اخلاقی

— قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ:

— مَا حَسَنَ اللَّهُ خُلُقَ عَبْدٍ وَلَا خُلُقَهُ إِلَّا اسْتَحْيَا

أَنْ يُطْعَمَ لِحَمِّهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ النَّارَ.

— خداوند سرشت و اخلاق بنده‌ای را نیکو

نمی‌گرداند مگر این‌که از سوزاندن گوشت او

در قیامت حیا می‌کند.

حیا از پیری

— قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ:

— إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَنْظُرُ فِي وَجْهِ الشَّيْخِ الْمُؤْمِنِ
صَبَاحًا وَمَسَاءً فَيَقُولُ: يَا عَبْدِي كَبِرَ سِنَّكَ وَ
دَقَّ عَظْمُكَ وَ رَقَّ جِلْدُكَ وَ قَرَّبَ أَجْلَكَ وَ
حَانَ قُدُومَكَ عَلَيَّ فَاسْتَحِ مِنْنِي فَإِنَّا أَسْتَحِي
مِنْ شَيْئَتِكَ أَنْ أَعَذِّبَكَ بِالنَّارِ.

— خداوند تبارک و تعالی در چهره‌ی مؤمن که‌نسال،
صبح و عصر می‌نگرد و می‌گوید: ای بنده‌ی من!
عمرت زیاد و استخوانت ساییده و پوستت نازک
و مرگت نزدیک شد و وقت آن رسید که به‌طرف
من آیی؛ پس از من حیا کن! من از پیری تو حیا
می‌کنم که تو را به آتش جهنم عذاب کنم.

— قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَتْ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ:

— يَا أَبَا الْحَسَنِ إِنِّي لَأَسْتَحْيِي مِنْ إلهي أَنْ
أَكْلِفَكَ مَا لَا تَقْدِرُ.

— حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَامُ به امام علی عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: من
از خدا حیا می‌کنم که چیزی از تو بخواهم و تو
نتوانی انجام دهی.

حیا نزد همسر

قَالَ الْبَاقِرُ رضی اللہ عنہ:

خَيْرُ النِّسَاءِ الَّتِي إِذَا دَخَلَتْ مَعَ زَوْجِهَا فَخَلَعَتْ
الدَّرْعَ خَلَعَتْ مَعَهُ الْحَيَاءَ وَإِذَا لَبَسَتْ الدَّرْعَ
لَبَسَتْ مَعَهُ الْحَيَاءَ.

بهترین زنان کسی است که به هنگام ورود به
همسرش، جامه از تن در آورد و حیای خود را
نیز برکند و زمانی که لباس بپوشد، حیا را نیز
با آن بپوشد.

مجموعه گل

- مؤمن
 - صبر
 - گناه
 - صله‌ی رحم
 - توبه
 - راستگویی
 - سخاوت و انفاق
 - خوف و رجاء
 - ذکر
 - اخلاص
 - توکل
 - دروغ
 - فرزندان
 - نماز
 - حیا
 - ازدواج
 - ادب
 - انتظار فرج
 - غدیر
 - معاشرت
 - حُسن ظن
 - سوء ظن
 - لقمه
 - همنشین
 - جلوه‌ی جلال
 - جلوه‌ی جمال
 - راه و همراه
 - برکت
 - همسایه
 - بلا
 - سکوت و کلام
 - نماز شب
 - حب اهل بیت علیهم‌السلام
 - معیارها
 - نشاط و غم
 - حُسن خُلق
 - دو گوهر
 - تهذیب
 - ساده‌زیستی
 - کلام وحی
-